روزنامه شرق

یکشنبه ۱۸ دی ۱۳۹۰ • ۱۴صفر ۱۴۳۳ • ۸ ژانویه ۲۰۱۲ • سال نهم

شماره پیاپی ۱۴۳۷ • شماره ۵۱۳ دوره جدید • ۲۰صفحه • ۶۰۰ تومان

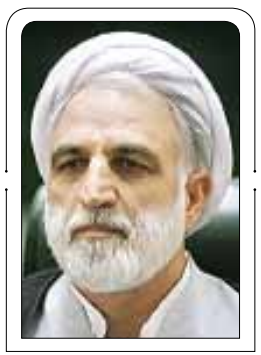

سخنگوی قوه‌قضاییه:

عدم کنترل حساب‌های بانکی را پلیس، شفاف اعلام کند

گروه سیاسی: محسنی‌اژه‌ای با بیان اینکه «در روزهای اخیر موضوعی مطرح‌شده مبنی بر آنکه پلیس موجودی ریالی و ارزی حساب‌های بانکی مردم را کنترل می‌کند»، اظهار داشت: «در آخرین نشست خبری اعلام کردم که وجود چنین پلیسی صحت ندارد و مسوولان پلیس هم...

صفحه ۲

اسامی نهایی گزینه‌های ریاست دانشگاه آزاد

یک صندلی ۱۲ نامزد

گروه جامعه: سلسله ساختمان‌های بزرگ مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی در خیابان‌های پاسداران و صندلی ریاست در نیستان نهم به شکلی پس از ۳۰سال قرار است مدیری غیر از عبدالله جاسبی به خود ببیند که وزیر علوم روز گذشته در آخرین گام از پروژه خود اسامی نهایی...

صفحه ۱۹

حمایت سینماگران نامی از «خانه‌سینما»

■ **ابراهیم حاتمی‌کیا، مجید مجیدی، کمال تبریزی، احمدرضا درویش رضا میرکریمی، محمدرضا هنرمند،منوچهر محمدی، مجتبی راعی و حسن برزیده، نامه مشترک منتشر کردند**

گروه هنر، گیسو فغفوری: انحلال خانه سینما بعد از ۲۰ سال و با وجود ۲۹ صنف اتفاقی بود که در طول هفته گذشته واکنش‌هایی را به دنبال داشت و بحث بر سر قانونی بودن این انحلال از منظرهای متفاوت حقوقی و صنفی مطرح شد. سینماگران از طیف‌های گوناگون در این‌باره نظرات مثبت و منفی خود را اعلام کردند. در آخرین واکنش ۹ نفر از سینماگران شناخته‌شده درباره خانه خود بیانیه‌ای مشترک را امضا کردند که در آن آمده است: «سخن ما نه خانه سینماست و نه عملکرد آن، که هر چه هست از همه ماست؛ ولی اگر ذره‌ای انصاف و معرفت باشد، می‌داند که غالب این سینمای نجیب، مولود فرزندان نهضتی است که در پاسداری آن جان و مال و آبرو گذاشته‌اند و حاضر نیستند تن به اراده فراقانونی بدهند که هدفش سرکوب استقلال و حریت کسانی است که خود را ملتزم به ارزش‌های آرمانی نظام و قانون اساسی می‌دانند. باشد که بزرگان و دلسوزان کشور بشنوند و چاره‌ای بیندیشند.» ابراهیم حاتمی‌کیا، مجید مجیدی، کمال تبریزی، احمدرضا درویش، رضا میرکریمی و محمدرضا هنرمند در کنار منوچهر محمدی، مجتبی راعی وحسن برزیده امضاکنندگان این نامه هستند. همچنین سخنان احمدرضا درویش در برنامه تلویزیونی «هفت» همزمان با واکنش‌های معاون سینمایی – جواد شمقدری – و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در همان برنامه روبه‌روشد. وزیرارشاد در این برنامه گفت: «ما نامه‌ای صادر کردیم و آنها نیز به دیوان عدالت اداری شکایت کرده‌اند اما از نظر ما کار تمام شده است.» کمال تبریزی، رییس شورای‌عالی داوری خانه سینما نیز با زبانی طنز خطاب به وزیر ارشاد نامه‌ای نوشته است و همچنین بهمن فرمان‌آرا برمبنای شرایط این روزهای سینما سه سیمرغ بلورینی که از جشنواره فجر دریافت کرده بود به دفتر جشنواره تحویل داد. وی در گفت‌وگو با خبرآنلاین اظهار کرده است: «با شرایطی که در سینمای ایران به وجود آمده است، تصمیم گرفتم سه سیمرغ بلورینی که از جشنواره فجر گرفته‌ام به دفتر جشنواره بازگردانم. این سیمرغ‌های بلورین را برای فیلم‌های «بوی کافور عطر یاس» و «خانه‌ای روی آب» دریافت کرده بودم که همه را تحویل دفتر جشنواره دادم و رسید آن را گرفتم.» همچنین احمد توکلی، رییس مرکز پژوهش‌های مجلس در سخنانی به مهر گفته است: «از نظر حقوقی نیز انحلال «خانه سینما» وجاهت قانونی ندارد، زیرا «خانه سینما» یک شرکت ثبت‌شده است و اجازه فعالیت دارد.» در سوی دیگر نیز علیرضا رییسیان، علی معلم، جهانگیر الماسی و حبیب‌الله کاسه‌ساز نسبت به بی‌اهمیت بودن فعالیت‌های صنفی خانه سینما سخن گفتند و این اتفاق را نتیجه رفتارهای هیات مدیره خانه سینمامی‌دانند.

گزارش کامل را در صفحه ۱۵ بخوانید

ارزیابی مسعود نیلی از «جنبش وال‌استریت» در گفت‌وگو با «شرق»:

جهانی‌شدن اقتصاد با دموکراسی ناسازگار است

عکس: مهدی حسنی، شرق

داریوش قنبری در گفت‌وگو با «شرق»:

اصولگرایان شریک عملکرد دولت هستند

گروه سیاسی، سروش فرهادیان: درست روزی که محمود احمدی‌نژاد برای چهارمین‌بار به استان ایلام «سفر استانی» کرده بود با «داریوش قنبری» گفت‌وگو کردم. برایم جالب بود که او در مجلس است و به ایلام؛ یعنی حوزه انتخابیه‌اش نرفته تا میزبان رییس‌جمهوری اسلامی باشد. رسم است که در این سفرها نمایندگان به استان‌شان می‌روند و همراه رییس‌جمهوری می‌شوند و در مراسم استقبال شرکت می‌کنند و اگر مجال بیابند بالای جایگاه، کنار رییس‌جمهور عکس یادگاری هم می‌گیرند. در میانه گفت‌وگو نماینده‌ای به شوخی قنبری را خطاب قرار داد که در مجلس چه می‌کند و چرا همراه رییس‌جمهوری به ایلام نرفته؛ شوخی‌ای که تا پایان گفت‌وگو چندبار تکرار شد. قنبری هم نه شوخی‌شوخی که جدی‌جدی به ایلام نرفت و رسم همراهی را به جا نیاورد. سخنگوی فراکسیون اصلاح‌طلبان مجلس از آن نمایندگان همیشه جنجالی است. با سر و صدای زیادی هم به صندلی‌های سبز مجلس هشتم رسید. در زمان شمارش آرای انتخابات مجلس هشتم، اعتراض‌هایی شد تا او به مجلس برسد. پایش را که از صحن علنی بیرون می‌گذارد، خبرنگاران پارلمانی که می‌دانند همواره حرف‌های به درد بخوری دارد، دوره‌اش می‌کنند. او هم «می‌گوید»؛ خیلی از حرف‌هایی را که دیگران یا نمی‌خواهند یا نمی‌توانند بگویند. این «گفتن»های او نه‌فقط اصولگرایان که حتی برخی از اصلاح‌طلبان مجلس‌نشینی که علاقه زیادی به میانه ماندن و میانه رفتن دارند را هم کلافه می‌کند.

■■■

با توجه به اینکه در حال حاضر دولت شدت بیشتری به دور چهارم سفرهای استانی داده علت اصرار بر انجام سفرهای هیات دولت را چه می‌دانید؟

خب به انتخابات نزدیک می‌شویم و سفرهای استانی باز هم در دستور کار قرار گرفته است.

سفرهای استانی چه ربطی به انتخابات مجلس دارد؟

ربط دارد؛ به هر انتخاباتی نزدیک می‌شویم این سفرها شدت می‌گیرد.

پس این سفرها مثبت بوده که دولت به عنوان یک راهکار برای جلب‌نظر مردم جهت حمایت از کاندیداهای مورد نظرش از آن استفاده می‌کند؟

نه، موفقیتی در کار نبوده. مجموع سفرهای هیات‌دولت به استان‌ها به‌نظر من در سه فصل قابل دسته‌بندی است؛ اعتباری، تسهیلاتی واداری.

و دولت در کدام دسته موفق بوده؟

موفقیت که نمی‌توان گفت اما از حیث توجه، به مصوبات اداری توجه شده.

بر اساس چه مستنداتی این ادعا را می‌کنید؟

بر اساس گزارش‌های مختلف نهادهای نظارتی که سفرهای استانی دولت را بررسی کرده‌اند و مطالعاتی که از وضعیت سه دوره سفر هیات دولت داشتم. مثلا در حوزه انتخابیه خودم (ایلام) که یکی از محروم‌ترین نقاط ایران است مصوبات اداری تا حدود زیادی اجرایی شدند.

مثل چه مصوباتی؟

مثلا اینکه ساختمان فلان اداره را به اداره دیگری بدهند.

خب این چه ایرادی دارد؟

برای جابه‌جایی ساختمان یک اداره که نیازی به سفر هیات دولت نیست. در گذشته هم این کارها انجام می‌شدند یعنی اجرای این کارهای عادی نیاز به سفر دولت یا تشکیل جلسه هیات دولت ندارد. کلاس این مصوبات در گذشته پایین‌تر از سطح دولت بود؛ یعنی در جلسات کمیته‌های برنامه‌ریزی استان و شهرستان به این مسایل و مصوبات پرداخته می‌شد و هیچ مشکلی هم پیش نمی‌آمد. مثلا رنگ‌آمیزی سلف‌سرویس یک دانشگاه چه نیازی به تشکیل جلسه هیات‌دولت دارد.

واقعا چنین مصوباتی هست؟

مثلا یکی از مصوبات دور اول سفرهای استانی بحث تجهیز سلف‌سرویس دانشگاه ایلام بود یا اینکه مثلا در فلان روستا مدرسه احداث شود؛ حرف این است که اینها از وظایف عادی دولت است. یک دسته مصوبات دیگر داریم که مصوبات تسهیلاتی هستند؛ مثلا مصوب می‌کنند که فلان مبلغ وام برای پروژه‌های عمرانی و تولیدی فلان استان پرداخت شود که این دسته از مصوبات عمدتا اجرایی نشدند.

در واقع همان مصوباتی که در صورت اجرا تاثیرگذار می‌بودند، کمتر اجرا شدند؟

صورت مساله ساده است؛ وعده‌هایی که داده می‌شود برای پرداخت تسهیلات یک‌سری تکالیف را متوجه بانک‌ها می‌کند اما بانک‌ها توان پرداخت تسهیلات را ندارند.

ادامه در صفحه ۳

نکته

اگر واقعا این نامه‌ها به عنوان عملکرد دولت محسوب شود، ما هم از این نامه‌ها زیاد می‌نویسیم وضعیت اقتصادی در شرایط مناسبی نیست. اگر بود، مردم بیکار نبودند از صبح توی صف نامه‌نویسی بایستند و درخواست کار و وام کنند

رضا غیبی: «جنبش وال‌استریت» هر چند تا روزهای قبل بخش بزرگی از اخبار را به خود اختصاص داده و به نحوی تبدیل به یک جریان خبری شده بود اما حالا آنقدر گرفتار سکوت خبری شده که گاهی برخی می‌پرسند آیا ماجرای «وال‌استریت» تمام شده است؟ این پرسش به طور حتم می‌تواند پرسش بسیار مهمی باشد چون واقعیت آن است که «جنبش وال‌استریت» ریشه در نابرابری دارد. در ۱۰سال گذشته بسیاری از مناسبات اقتصادی در سرمایه‌داری آمریکایی تغییر کرده است و این مساله دهک‌های با درآمد پایین را گرفتار ناملایمات اقتصادی کرده است. این موضوع را مسعود نیلی نیز تایید می‌کند. ما با او درباره «جنبش وال‌استریت» و فرجام آن به گفت‌وگو نشستیم. او سرمایه‌داری را مردود نمی‌داند و معتقد است به اندازه همه نظام‌های اقتصادی می‌توان الگوهای سرمایه‌داری ارایه کرد ولی نکته‌ای را نیز می‌گوید که به نظر می‌رسد نقش مهمی در گرفتاری‌های اقتصاد در دنیای امروز دارد: «میان دو پدیده جهانی شدن اقتصاد که امری فراملی است و دموکراسی که امری صددرصد ملی است درجاتی از ناسازگاری وجود دارد که جلوه‌ای از آن را امروز در آمریکا مشاهده می‌کنیم و جلوه دیگر آن در حوزه یورو نمایان شده است.» متن گفت‌وگو با استاد مسعود نیلی در ادامه آمده است:

«جنبش وال‌استریت» یک دوره چندماهه را پشت سر گذاشته است و به نظر می‌رسد این جنبش دیگر تحرک و حال و هوای اولیه را ندارد. ارزیابی شما از این جنبش چیست؟

در تحلیل این نوع از پدیده‌ها که دارای جذابیت‌های چندوجهی هستند، به طور معمول دو رویکرد توسط دو گروه متفاوت در پیش گرفته می‌شود. رویکرد اول سیاسی و رویکرد دوم علمی است. این دو رویکرد حداقل به وسیله دو ویژگی از یکدیگر متمایز می‌شوند. ویژگی اول به میزان جزمیت یا قطعیت اظهارنظرها مربوط می‌شود. زبان سیاسیون زبان جزمی و قطعی است و در مقابل، زبان علمی زبان احتیاط‌آمیز و همراه با عدم قطعیت است. هرچه در زبان سیاسیون با «باید» مواجه می‌شویم، در زبان علمی با «شاید» و «به‌نظر می‌رسد» برخورد می‌کنیم. ویژگی دوم وجه تمایز آن است که سیاستمداران بیش از آنکه سوال داشته باشند، پاسخ دارند. برای آنها اینکه موضوع به «چه چیزی» مربوط می‌شود، بسیار کمتر از آن اهمیت دارد که به «چه کسی» مرتبط است. در حالی‌که در اظهارنظرهای آکادمیک برای شما اینکه سوال متوجه «چه چیزی» است اهمیت دارد و نه آنکه به چه کسی مربوط است. در مواجهه «با جنبش وال‌استریت» هم شاهد هر دو رویکرد هستیم. آنچه را که من در پاسخ به سوالات شما در پیش خواهم گرفت، تلاش برای اتخاذ رویکرد علمی است. بنابراین، اولا: فارغ از اینکه این مساله مربوط به آمریکا و غرب است و ثانیا با توجه به مدت بسیار کوتاهی که از پیدایش این حرکت می‌گذرد و در نتیجه اطلاعات کمی که در مورد آن وجود دارد، با زبانی احتیاط‌آمیز به آن خواهم پرداخت.

دلیل علاقه و جذابیت این پدیده در ایران چیست؟

به نظر من این موضوع، یعنی علاقه به تحولات رخ داده در آمریکا پیرامون نظام اقتصادی حاکم، سه منشا دارد. یکی از این دلایل را می‌توان در حوزه اندیشه جست‌وجو کرد. جایی که افراد به واسطه فکرکردن به نظام‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جوامع مختلف نمی‌توانند نسبت به این موضوع بی‌تفاوت باشند. وجه دیگر این جذابیت از این منظر است که ممکن است این اتفاقات با در نظر گرفتن برخی شرایط مشابه، در ایران نیز رخ دهد. وجه سوم این است که این پدیده اگر تاثیرگذار شود ممکن است رویکردهای بازتوزیعی در کشورهای صنعتی قوت گیرد و در نهایت موجب کاهش قیمت نفت و محدود شدن منابع کشورهای صادرکننده نفت از جمله ایران شود. البته بعید به نظر می‌رسد در ایران با این پیچیدگی به «جنبش وال‌استریت» نگاه شود. یکی از مواردی که در ارزیابی‌ها و اظهارنظرها باید مورد توجه قرار گیرد پرهیز از سطحی‌نگری نسبت به مسایل رخ داده در جهان است. اظهارنظرهایی مبنی بر به بن‌بست رسیدن نظام سرمایه‌داری، بدون ارزیابی از مقیاس جمعیتی و توجه عمیق به آن تنها می‌تواند کارکرد موقتی تبلیغاتی داشته باشد. لازم به ذکر است که وجهی از موضوع که به ارتباط آن با اقتصاد ایران بازمی‌گردد به‌طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است که البته به عقیده من باید به این وجه بیشتر پرداخته و تاثیرگذاری این تحولات بر اقتصاد ما مشخص شود. امروز افرادی از این اتفاقات اظهار خوشحالی می‌کنند در صورتی که مشخص نیست اگر این پدیده منجر به کاهش قیمت نفت شود، خوشحالی این گروه از چه منطقی پیروی می‌کند.

نکته

امروز افرادی از اتفاقات وال‌استریت اظهار خوشحالی می‌کنند در صورتی که هنوز مشخص نیست اگر این پدیده منجر به کاهش قیمت نفت شود خوشحالی این گروه از چه منطقی پیروی می‌کند

کارشناسان و افرادی که این پدیده را از منظر ایدئولوژیک مورد ارزیابی قرار می‌دهند بر این باورند که روند سرمایه‌داری رو به زوال است و این جنبش گسترده‌تر خواهد شد؛ در این رابطه چه نظری دارید؟

قبل از پرداختن کمی تفصیلی به سوال شما، مایلم ابتدا یک طبقه‌بندی موضوعی از سوالات مرتبط انجام دهم. یک دسته از سوالات مربوط به مقیاس این حرکت می‌شود و دسته دوم مربوط به محتوای آن. سوالاتی از قبیل اینکه واقعا چند درصد از جامعه آمریکا و چند کشور دیگر صنعتی در این حرکت مشارکت دارند و دیگر اینکه دینامیسم این حرکت چگونه است؟ آیا در حال گسترش است یا محدود شدن به مقیاس مربوط می‌شود؟ آن‌طور که پیداست، ویژگی بارز این حرکت مقیاس آن نیست و به‌لحاظ تعداد به‌نظر نمی‌رسد که جمعیت قابل توجهی را پوشش دهد. با توجه به سطح بالای دستمزدها در کشورهای صنعتی و در نتیجه هزینه فرصت بالای نیروهای شاغل، ظاهرا گروه‌های معترض درصد پایینی از بیکاران را تشکیل می‌دهند و از طرف دیگر، ظرف ماه‌های اخیر، ابعاد این حرکت در حال گسترش نبوده است. اما محدود بودن مقیاس این حرکت مانع از آن نمی‌شود که به محتوای آن نپردازیم. اگر این پدیده را از منظر اندیشه و بدون تعصب خاصی مورد بررسی قرار دهیم، می‌بینیم که این حرکت در حال گسترش نیست و نسبت به روزهای ابتدایی محدودتر نیز شده است. به نظر می‌رسد این حرکت رویکرد اجتماعی دارد، نه سیاسی؛ و چگونگی توزیع منابع در جامعه را به نقد کشیده است و اصولا مباحثی از قبیل براندازی در این جوامع موضوعیت ندارد.

ادامه در صفحه ۵

سرمقاله

خانه سینما پابرجاست

رخشان بنی‌اعتماد*

«خانه سینما»، فقط یک‌مکان نیست که به حکمی در آن بسته شود. «خانه سینما»، برآیند تلاشی طولانی برای رسیدن به مجمعی از تشکل‌های صنفی است. «خانه سینما»، ملکی اجاره‌ای نیست که صاحب ملکی حکم تخلیه آن را بدهد. «خانه سینما»، خانه‌ای ساخته‌شده به دست تک‌تک اهالی خانواده است که مالکیتش نه به سند شش‌دانگ منگوله‌دار که متکی به نیروی اندیشه سازندگانش، غیرقابل واگذاری و تخلیه است. به همین جهت بسته شدن «خانه سینما» را امر غیرممکن بدانید که اگر ساختمان شماره یک خیابان سمنان و ساختمان شماره دو خیابان وصال حکم به قفل بگیرد، خانه ما در اتحاد اهالی خانواده سینما پا برجاست، حتی اگر موقتا مکانی برای گردهم آمدن نداشته باشیم، هیچ مصوبه‌ای، یارای قفل زدن بر باور ما، به پابرجایی خانواده سینما را ندارد.

*کارگردان سینما

ایران و انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا

صادق زیباکلام

کمتر اتفاق می‌افتاد که در آمریکا یک موضوع خارجی نقش اول یا دست‌کم نقش مهمی را در انتخابات پیدا کند. معمولا نیم دوجین مسایل داخلی هستند که محور اصلی مناقشه و رقابت در میان دو رقیب اصلی، جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها، باشند. از وضع اقتصادی گرفته تا بیکاری، تا مالیات‌ها، بیمه، حقوق همجنس‌گرایان تا اعدام و سایر مسایل اجتماعی اما مساله این دوره از انتخابات سخنی به گزاف نرفته اگر گفته شود که دست‌کم در کنار مسایل داخلی یک موضوع خارجی هم در صدر مسایل قرار گرفته است. آن موضوع نه عراق است، نه افغانستان و نه مبارزه با تروریسم. آن موضوع متاسفانه عبارت است از ایران و درست‌تر گفته باشیم، گره رویارویی با ایران. اینکه چرا مسایل دیگر اعم از خارجی یا داخلی خیلی محل مناقشه میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان نیست چندان پیچیده نیست. درست است که نرخ بیکاری با رقم هشت درصد همچنان بالاست و درست است که مجموعه غرب همچنان با رکود اقتصادی روبه‌رو است، اما جمهوری‌خواهان نیک می‌دانند که وضع اقتصادی آمریکا در مقایسه با اروپا و ژاپن به مراتب بهتر است. آمریکایی‌ها نه هنوز مجبور شده‌اند مثل اروپایی‌ها به سمت‌وسوی ریاضت‌های اقتصادی بروند و نه با مشکل رکود در مقیاس اروپایی‌ها مواجهند.

در واقع رکورد خریدهای عید کریسمس امسال نشان داد که مصرف‌کنندگان آمریکایی هنوز اندوخته و اشتها برای خرج کردن دارند. به علاوه اقدام مهم اوباما در گسترش بیمه خدمات درمانی اگرچه با مخالفت جناح راست مواجه شده و او را متهم به رفتن به سمت سیاست‌های سوسیالیستی کرده‌اند، اما میلیون‌ها نفر از اقشار و لایه‌های کم‌درآمد به سبب برخورداری از بیمه درمانی، حامی اوباما شده‌اند. درخصوص سیاست خارجی هم خیلی اوباما در جایگاه بدی قرار ندارد. حسب آنچه که اوباما در دوران انتخابات در سال ۱۳۸۶ وعده داده بود، نیروهای آمریکایی از عراق خارج شده‌اند و در مورد افغانستان هم جمهوری‌خواهان با دموکرات‌ها همراه هستند که در شرایط فعلی نمی‌توان از افغانستان خارج شد. دولت حامد کرزای خیلی ضعیف‌تر از آن است که بتواند در برابر طالبان بایستد. امروز اگر آمریکایی‌ها و ناتو از افغانستان خارج شوند، فردا طالبان کابل را اشغال می‌کنند و حامد کرزای را در همان محلی که نجیب را اعدام کردند از بین خواهند برد. همه این ملاحظات سبب می‌شود که ایران متاسفانه در صدر جدول محل نزاع دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان قرار گیرد.

به عبارتی ایران تنها موضوعی است که جمهوری‌خواهان به شدت علیه اوباما علم کرده‌اند. جملگی نامزدهای جمهوری‌خواه اوباما را متهم می‌کنند که در برابر ایران خیلی کوتاه آمده و مماشات کرده است. بیشترین انتقاد و حمله از این بابت را میت رامنی بر عهده دارد. اگرچه او هنوز با شکست سایر رقبای جمهوری‌خواه‌اش و شکست اوباما فاصله دارد.

ادامه در صفحه ۱۹

موسیقی

دیدار با آخرین نسل راویان موسیقی اقوام

■ گفت‌وگوی «شرق» با محمدرضا درویشی پژوهشگر موسیقی نواحی و آهنگساز

صفحه ۱۰و۱۱

تیترها

مهمانپرست اعلام کرد

استقبال تهران از نجات ملوانان ایرانی توسط نیروی دریایی آمریکا

صفحه ۲

تاریخچه نقدینگی ۳۲۰هزار میلیارد تومانی

کاپیتان نقدینگی کدام دولت است؟

صفحه ۴

کافه‌نظر

حذف درسی سلسله‌های پادشاهی

جلال‌الدین کزازی، محمد بقایی (ماکان) پوران فرخزاد، فریدون فضیلت

صفحه آخر

در صفحات

دغدغه مخاطب

گفت‌وگو با آیدین رهبر و امیر حاجبی/صفحه ۱۲

تنیس زنان ایران از آسیا عقب است

گفت‌وگو با ندا نوربان/صفحه ۱۶

حرف اول

نفت «اسکار» می‌گیرد؟

رضا زندی

نفت ایران، بازیگر «نقش‌اول» سناریوی تحریم شده است؛ فیلمنامه‌ای که نویسندگان متعددی دارد. هرکدام «لوکیشن»ی برایش تعریف می‌کنند تا منفعت خود را ببرند. یک روز در ترکیه، روز دیگر در چین. چند وقتی در اروپا و مدتی در سئول و توکیو. هند هم که به سناریو اضافه شود، «درام»مان تکمیل است.

۱- ترک‌ها با اعزام وزیرخارجه‌شان به تهران پیشنهاد میانجیگری در پرونده هسته‌ای را روی میز گذاشتند تا در زیر میز، کاهش قیمت گاز صادراتی ایران را طلب کنند. «هالک بانک»شان را هم از عملیات تسویه‌حساب بدهی‌های نفتی هند به ایران بیرون کشیدند تا معامله‌شان بی‌پشتوانه نباشد. استدلال استانبول، تخفیف گازی روس‌هاست. مسکو اما، امتیاز بزرگ عبور گازش به اروپا را گرفته تا به تخفیف کوچکی رضایت داده است. ایران چه؟! اگر مقامات نفتی برای ارایه تخفیف، تحت‌فشار «سیاست» قرار گیرند، ایران در همه مذاکرات آینده گاز در موضع ضعف خواهد بود. همین حالا پاکستان در «کمین» گرفتن تخفیف نشسته است. نباید گذاشت این تنها قرارداد گازی عمده در حال اجرای ایران با ناخن سیاست «جریحه‌دار» شود.

۲- با اعلام توقف عملیات تسویه‌حساب بدهی‌های نفتی دهلی‌نو از طریق ترکیه، بازگرداندن پول صادرات حدود ۴۰۰هزار بشکه نفت به ایران دوباره با مشکل مواجه خواهد شد. کشورهایی که از کنار ایران بهره برده‌اند، نباید امروز امتحان‌شان را پس دهند؟!

۳- چینی‌ها حالا که ایران را تحت‌فشار دیده‌اند، با پیش‌کشیدن موضوع کاهش واردات نفت از ایران می‌خواهند امتیازات جدیدی بگیرند. مدیر امور بین‌الملل شرکت ملی نفت هم رسما اعلام کرده است که شرکت‌های چینی قصد اعمال تغییرات در نحوه پرداخت منابع مالی را دارند. آیا چینی‌ها می‌خواهند در قبال نفت به ایران «یوآن» بدهند؟! قصد دارند جنس‌های چینی بیشتری روانه بازار ایران کنند؟! یا می‌خواهند نفت را «تسویه‌خری» کنند؟! حالا ما پشت‌سر هم به چینی‌ها پروژه دهیم، آنها هم بگیرند و کار نکنند و در روزگار سختی «دو دوزه» بازی کنند. واقعا چرا؟!

۴- سئول تلاشش برای متقاعد کردن آمریکا درخصوص مستثنا شدن از تحریم بانکی ایران را رسانه‌ای کرده است، گو اینکه به‌طور معمول این‌گونه «لابی»ها، پشت پرده انجام می‌شود؛ لوازم برقی و اتومبیل‌های کره‌ای که بازار ایران را اشباع کرده‌اند. آیا سئول هم امتیاز تازه‌ای می‌خواهد؟!

ادامه در صفحه ۴

جناب آقای مهندس عبدالرضا تیز نوبیک

با نهایت تأسف و تألم درگذشت پدر گرامی همسرتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده از پیشگاه احدیت برای آن مرحوم غفران و رحمت الهی و برای سایر بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می‌نماییم.

همکاران بانک پاسارگاد شعبه گلفام